

مطالعه عوامل مؤثر بر بیگانگی اجتماعی

(فرا تحلیل پژوهش‌های بازه زمانی ۱۳۸۳ الی ۱۴۰۱)

طاها عشایری^۱؛ الهام عباسی^۲؛ طاهره جهان پرور^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۴

چکیده

بیگانگی اجتماعی به معنای انزجار، انزوا، احساس بی‌هویتی، بریدگی از جامعه و درنهایت، احساس آنومی اجتماعی-فرهنگی در جامعه مدرن است. هدف اصلی این پژوهش، مطالعه عوامل مؤثر بر بیگانگی اجتماعی به روش فراتحلیل در بازه زمانی ۱۳۸۳ الی ۱۴۰۱ با تکیه بر نظریهٔ زیمل است. روش پژوهش، از نوع فراتحلیل (کمی) است. جامعه آماری ۵۱ سند است و ۲۹ پژوهش، به‌عنوان نمونه، به روش غیر احتمالی از پایگاه علمی نورمگز، علم‌نت، مگیران، پایگاه جهاد دانشگاهی با رعایت ملاک ورود (روایی و پایایی) و ملاک خروج (عدم روایی و پایایی)، انتخاب شدند. نتایج نشان می‌دهد که بین سرمایه فرهنگی (تجسم‌یافته، نهادینه‌شده و نمادین)؛ سرمایه اجتماعی (ضعف انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی پایین و تعلق اجتماعی پایین)؛ عوامل فرهنگی (فردگرایی، باورهای خرافی، فشارهای هنجاری و تعلق مذهبی پایین)؛ عوامل رسانه‌ای (استفاده از فضای مجازی، رسانه داخلی و رسانه خارجی)؛ عوامل روانی (اعتماد به نفس پایین، انزوای اجتماعی و احساس بی‌منزلی)؛ عوامل سیاسی (اساس عدم اثربخشی سیاسی، نارضایتی سیاسی، احساس تبعیض سیاسی، آنومی سیاسی)؛ عوامل ناکامی (محرومیت اجتماعی، ناکامی شغلی، ناکامی تحصیلی-آموزشی)؛ عوامل اجتماعی (بی‌نظمی اجتماعی، نارضایتی اجتماعی، آنومی

^۱. عضو هیأت علمی گروه تاریخ و جامعه‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران (نویسندهٔ مسؤول).
t.ashayeri@uma.ac.ir

^۲. عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
elham@pnu.ac.ir

^۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشکدهٔ علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران مرکز، تهران، ایران.
jparvar@yahoo.com

اجتماعی، احساس بی‌عدالتی) و عوامل زمینه‌ای (سطح تحصیلات، سن، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و میزان درآمد) و از خودبیگانگی اجتماعی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: بیگانگی اجتماعی؛ سرمایه اجتماعی-فرهنگی؛ شکاف طبقاتی-اجتماعی؛ فراتحلیل.

مقدمه و بیان مسأله

جامعه ایران بعد از مشروطه، به مثابه یک جامعه در حال گذار از دوره مکانیکی (کوچ‌نشین، ایلیاتی و سنتی) به یک دوره ارگانیکی (مدرن، شهری، نوسازی) بوده است، روندی که به‌زعم محققان ایرانی، گذار ناموفق یا معلق نام برده شده است. این همان جامعه‌ای است که امیل دورکیم، از نتایج تقسیم کار تخصصی و رواج فردگرایی و بیگانگی ناشی از دل‌زدگی اجتماعی را مطرح می‌کند و راه مقابله با این مسئله را تقویت نظام خانواده (پایداری زندگی زناشویی) و ایجاد نهادهای شغلی حرفه‌ای (جهت حفظ اتصال فرد-جامعه)، می‌داند و در این حالت، بیگانگی اجتماعی کاهش می‌یابد، کارل مارکس، سرمایه‌داری پیشرفته را دلیل بیگانگی اجتماعی می‌داند، از نظر او، گذار جامعه از حالت مشاعی-کمون به سمت کاپیتالیسم، در بیگانگی نقش زیادی داشته و راه حل این مسئله، در پایان دادن به نظام سرمایه‌داری، فروپاشی فرهنگ سرمایه‌داری و تن دادن به زندگی سوسیالیسم است. ماکس وبر، عقلانی شدن بیش از حد دنیای مدرن و گرفتاری در قفس آهنین را بستر بیگانگی می‌داند. زیمل کلان‌شهر، غریبه‌گری، رواج مصرف مدرن، عقلانیت، فردگرایی و تجملات زیست مدرن را در بیگانگی اجتماعی مؤثر می‌داند. ویژگی جامعه در این حالت، شیوع احساس انومی یا بی‌هنجاری است، یعنی وضعیتی که در آن هنجارهای قدیمی از بین رفته‌اند، اما هنوز هنجارهای تازه، جای آن‌ها را نگرفته است. به این ترتیب جامعه، در حالت ازهم‌گسیخته قرار می‌گیرد و افراد جامعه، در حالتی از پریشانی و تنهایی رها می‌شوند و در سطح جامعه، به‌جای روابط عاطفی و خویشاوندی نزدیک، سازمان‌ها و نهادهای حمایت‌کننده به وجود نیامده است. بیگانگی اجتماعی، حاصل و پیامد چنین گذاری محسوب می‌شود که شکل گرفته است. بر این اساس، پژوهش حاضر قصد دارد در بازه زمانی ۱۳۸۳ الی ۱۴۰۱؛ با رویکرد فراتحلیل، عوامل مؤثر بر بیگانگی اجتماعی را بررسی و تحلیل نماید.

بیگانگی، به احساس تنهایی، حس غربت و دور ماندن از جامعه انسانی اطلاق می‌شود که در آثار هگل مطرح شده است و مارکس آن را به‌صورت گسترده، وارد ادبیات جامعه‌شناسی کرده است (شفر، ۱۳۹۱: ۱۶) و از مفاهیم اساسی علم جامعه‌شناسی است (ایمان و قائدی، ۱۳۸۳: ۱) که دورکیم در کتاب تقسیم‌کار اجتماعی و ماکس وبر با مفهوم قفس آهنین به آن پرداخته است

(ستوده، ۱۳۸۷: ۲۴۴) و برای اولین بار؛ روسو به آن پرداخت (کوزر، ۱۳۹۰: ۱۱۰). آدورنو^۱ و هورکهایمر^۲؛ نظام سرمایه‌داری و سلطه صنعت فرهنگی بر جامعه انسانی را نمودی از بیگانگی می‌داند (زکی خانی، ۱۳۸۹: ۹۲). متفکرانی از جمله اریک فروم^۳، هورکهایمر^۴، هابرماس^۵ و مارکوزه^۶، اسپینوزا^۷، فروید^۸، دلایل بیگانگی را در بحران سرمایه‌داری جستجو می‌کنند. واژه از خودبیگانگی؛ بر ساخته جامعه انسانی است که بر روح و روان او چیره می‌شود (گرب، ۱۳۸۹: ۳۷) و باعث جدایی رابطه انسان با مجموعه انسانی و محیط خود می‌شود (اکبری و صالح نژاد، ۱۳۹۴: ۳۴) و پیامد آن بی‌قدرتی، بی‌معنایی، بی‌هنجاری، تنفر فرهنگی، تنفر از خود و انزوای اجتماعی است (بنی‌فاطمه و رسولی، ۱۳۹۰: ۱۰). در این حالت؛ جامعه انسانی با از هم‌گسیختگی در سرمایه اجتماعی مواجه می‌شود (ریتزر، ۱۳۹۰: ۳۰؛ کوهن، ۱۳۸۹: ۱۰۵).

بررسی بیگانگی در جامعه ایران، به‌عنوان جامعه‌ای در حال گذار، مسئله‌ای جامعه‌شناختی است. در چند دهه گذشته به‌ویژه از دهه چهل، دگرگونی‌های سریع اجتماعی، باعث تضعیف نظام ارزشی و هنجارهای سنتی شد و نوگرایی در برخورد با سنت‌گرایی بدون اینکه قادر به ایجاد مفاهیم و هویت فرهنگی جدیدی باشد، وضعیت دوگانه‌ای را در جامعه ایجاد کرد که نتیجه آن را می‌توان بیگانگی اجتماعی دانست. جامعه ایران، اجتماعی در حال گذار از سنت به مدرنیته است. این امر از دوره مشروطه به بعد با اولین برخورد جامعه با فرایند نوسازی آغاز شد، شرایطی که باعث جدال بین سنت و مدرنیته یا گروه‌های سنتی و روشنفکر شد. به‌زعم روستو، خیز اولیه جامعه به سمت توسعه و نوسازی به دلیل عدم پذیرایی ساختارهای اجتماعی، ناکام ماند و توسعه معلق و ناموفق شکل گرفت. همین نوسازی ناتمام و مهاجرت شدید گروه‌هایی از مناطق مختلف به سمت شهر، جابجایی نظام ارزشی و سبک زندگی، در تشدید از خودبیگانگی اجتماعی مؤثر بوده است. تحولات تاریخی از مشروطه به بعد همراه با جریان اصلاحات ارضی ۱۳۴۰، در تغییر ذائقه اجتماعی و سبک زندگی مردم، باعث ایجاد نوعی احساس خلأبودگی یا بی‌هنجاری گردید. جامعه ایرانی در طی این دوره، با عنوان گذار یا اجتماع در حال گذار یاد می‌شود که از سنت‌های اجتماعی (عرف، نظام ریش‌سفیدی، هنجارهای سلسله مراتبی جمع‌گرایی) کنده شده و به سمت نظام مدرن (قانون‌گرایی، فردگرایی، نوسازی) در حال تحول است، اما حرکت از نقطه اولیه به

1. Adorno.

2. Horkheimer.

3. Erich Fromm.

4. Max Horkheimer.

5. Jürgen Haberm.

6. Herbert Marcuse.

7. Baruch Spinoza.

8. Sigmund Freud.

نقطه‌نهایی مسیر، طولانی شده و دوران گذار را طولانی نموده است و به دلیل از دست دادن نظام ذهنی قبلی و عدم نهادینه شدن نظام ذهنی نو، منجر به افزایش از خودبیگانگی اجتماعی شده است که علت بسیاری از مسائل از جمله نزاع، قتل، خشونت، طلاق و غیره شده است. به تعبیری وجود کنش‌های سنتی و مدرن و تعارض هویتی ناشی از این تحولات، در احساس از خودبیگانگی اجتماعی مؤثر بوده است. بر این اساس، هدف این پژوهش، مطالعه عوامل مؤثر بر بروز بیگانگی اجتماعی و برآورد اندازه اثر متغیرهای میانجی-تعدیل‌گر بر بروز بیگانگی اجتماعی است. سوال اصلی پژوهش عبارت است از: چه عواملی بر ظهور بیگانگی اجتماعی در جامعه ایرانی تأثیرگذار بوده است؟

پیشینه تجربی پژوهش

بیگانگی اجتماعی از مسائل مهم اجتماعی جامعه ایرانی است که طبق نتایج پژوهش‌های صورت گرفته، در بین طبقات اجتماعی، رواج بیشتری داشته و از دلایل مهم آن به در حال گذار بودن جامعه، از سنخ سنتی به سوی مدرنیته اشاره کرده‌اند، به نحوی که تغییرات ارزشی-هنجاری، تغییر سبک زندگی و الگوی مرجع، ظهور فضای مجازی، محرومیت نسبی و فشارهای اجتماعی-فرهنگی منجر به افزایش احساس بیگانگی اجتماعی گردیده است. هدف اصلی پژوهش حاضر، مطالعه و مرور سیستماتیک وضعیت بیگانگی در پژوهش‌های انتشار یافته (بازه زمانی ۱۳۸۳ الی ۱۴۰۱) است. جستجوی کلیدواژه "بیگانگی اجتماعی" بعد از گردآوری و غربال‌سازی آن و انتخاب سند‌های پیمایشی نشان می‌دهد که اولین پژوهش در سال ۱۳۸۳ و آخرین پژوهش منتشر شده در پایگاه علمی به سال‌های ۱۴۰۰ برمی‌گردد. با توجه به اینکه در فراتحلیل، صرفاً تحقیقات ایرانی (داخلی) که با روش پیمایش-کمی انجام گرفته بودند، انتخاب شدند. به دلیل رعایت حجم مقاله، خلاصه اطلاعات مقاله‌ها در جدول شماره ۱، ارائه شده‌اند. در ایران، اولین پژوهش پیمایشی صورت گرفته توسط ایمان و قائدی (۱۳۸۳) و آخرین تحقیق، متعلق به شاهینی و همکاران (۱۴۰۰)؛ عادل‌نژاد و همکاران (۱۴۰۰) و محمد پور و همکاران (۱۴۰۰) بوده است.

جدول شماره یک- پیشینه تجربی پژوهش

نویسنده/سال	هویت قومی	نوع جامعه	حجم نمونه	استان
شاهینی و همکاران (۱۴۰۰)	ترک	دانش‌آموزان	۲۲۰	آذربایجان شرقی
عادل‌نژاد و همکاران (۱۴۰۰)	فارس	دانشجویان	۴۱۰	تهران
محمدپور و همکاران (۱۴۰۰)	ترک	دانشجویان	۲۶۳	آذربایجان شرقی
علیمحمدی و همکاران (۱۳۹۸)	ترک	جوانان	۳۸۴	آذربایجان شرقی
ادهمی (۱۳۹۷)	کرد	دانشجویان	۳۹۲	کردستان

غفوری کله و محسنی تبریزی (۱۳۹۷)	فارس	شهروندان	۳۸۴	تهران
فیرزواجائیان و هاشمیان (۱۳۹۷)	مازنی	دانشجویان	۳۹۰	مازندران
فیرزواجائیان و همکاران (۱۳۹۶)	مازنی	دانشجویان	۳۹۰	مازندران
همتی و پیرنیا (۱۳۹۶)	فارس	دانشجویان	۳۲۹	اصفهان
حسینی و همکاران (۱۳۹۵)	لر	جوانان	۳۶۰	کهگیلویه و بویراحمد
شیرافکن (۱۳۹۵)	ترک	دانشجویان	۳۸۲	اردبیل
حریری اکبری و همکاران (۱۳۹۴)	کرد	دانش آموزان	۳۷۱	کردستان
حسین زاده و همکاران (۱۳۹۴)	عرب	جوانان	۳۸۴	خوزستان
رضایی و همکاران (۱۳۹۴)	لر	زنان	۳۱۰	لرستان
ابراهیمی لویه و همکاران (۱۳۹۳)	ترک	جوانان	۳۵۰	زنجان
حسینی و میرزایی (۱۳۹۳)	فارس	دانشجویان	۳۰۰	تهران
حقیقتیان و هاشمی نژاد (۱۳۹۳)	فارس	کارکنان	۱۱۹	اصفهان
رستگار خالد و همکاران (۱۳۹۳)	فارس	جوانان	۳۷۴	تهران
نبوی و همکاران (۱۳۹۲)	عرب	خانواده	۳۸۶	خوزستان
یارمحمدتوسکی و حمصی (۱۳۹۲)	فارس	دانشجویان	۲۸۵	مرکزی
توفیقیان فر و حسینی (۱۳۹۱)	لر	جوانان	۳۶۰	کهگیلویه و بویراحمد
سراج زاده و همکاران (۱۳۹۱)	فارس	دانشجویان	۳۷۰	تهران
کلاتیری و همکاران (۱۳۹۱)	ترک	شهروندان	۳۰۰	اردبیل
بنی فاطمه و رسولی (۱۳۹۰)	ترک	دانشجویان	۵۸۴	آذربایجان شرقی
حسین زاده و همکاران (۱۳۹۰)	عرب	کارکنان	۳۵۰	خوزستان
موسوی و حیدرپور (۱۳۹۰)	فارس	دانشجویان	۳۵۹	تهران
علمی و هاشم زاده (۱۳۸۸)	ترک	دبیران	۳۷۳	آذربایجان شرقی
وثوقی و ساری (۱۳۸۷)	فارس	جوانان	۳۹۱	تهران
ایمان و قائدی (۱۳۸۳)	فارس	دانشجویان	۴۰۰	فارس

مبانی و رویکردهای نظری

مفاهیم اصلی:

بیگانگی: واژه بیگانگی؛ از قرن ۱۷ به بعد مطرح شده است (احمدی، ۱۳۹۳: ۳۴۷). اولین تعبیر از آن؛ دربارهٔ بت‌ها در دوران عتیق بکار رفته است (فروم، ۱۳۸۵: ۶۵). معنای آن عبارت از گم‌شدن، جدایی و ناتوانی است. مارکس، اصطلاح بیگانگی را در ارتباط با انواع مختلفی از چیزها، از جمله کار در نظام سرمایه‌داری تحلیل می‌کند. به عقیدهٔ مارکس، بیگانگی در چهار

حالت رخ می‌دهد: ۱. بیگانگی از محصول کار ۲. بیگانگی از عمل تولید ۳. بیگانگی از خود و ۴. بیگانگی از دیگران (کامنکا، ۱۳۸۷: ۵۶)

بیگانگی اجتماعی زیمل: زیمل، مفهوم بیگانگی را در کلان‌شهرها تحلیل و بررسی می‌کند، مکانی که معادل گزشتافت تونیس و جامعه ارگانیکی دورکیم است. از نظر او، زندگی مردم در کلان‌شهرها، همراه فردگرایی؛ غلبه روح عینی بر روح ذهنی؛ پول و مادیات در عاطفه، محبت و مودت جمعی است و به مرور، انزوای اجتماعی و دل‌زدگی اجتماعی در شهر مدرن، ظهور می‌یابد. شخصیت این جهان مدرن، شخصیتی تنها، منزوی، بیگانه و مضطرب است که از گروه‌های نخستین خود جدا شده است، به نحوی که عقلانیت، تفکر اقتصادی، فردگرایی و روحیه تجاری در بین مردم حاکم می‌شود (میرزاپوری، ۱۳۹۵: ۱۱۱).

به‌طور کلی دو جنبه فکری اساسی و قابل تمیز در رابطه با بیگانگی اجتماعی وجود دارد. جنبه نخست، مبتنی بر بیگانگی فرد و جنبه دوم، متکی بر بیگانگی جامعه است. در جنبه اول، ما انسان مدرن را از ریشه کنده شده، تنها دارای جایگاهی متزلزل و بریده شده از اجتماع یا هر نظام دارای هدف اخلاقی خاص، می‌یابیم؛ مانند بیگانگی از دیگران، از کار، از جایگاه و حتی از خود. انسان که به هیچ‌وجه از منابع خرد و ثبات برخوردار نیست، این منابع را در خطر و خود را گویی به طرز پیچیده‌ای محصور می‌بیند. فرد از آزادی به دست آورده به جای خوشحالی، رنج می‌برد. رهایی فرد از قید و بند سنت، به بهای از دست رفتن فردیت تمام شده است، مسئله‌ای که می‌توان آن را در خودکشی، نابخردی، ماشین‌وارگی و دیگر اشکال انحراف، مشاهده کرد. جنبه دوم، ارتباط نزدیک با جنبه اول دارد ولی تأکید بیشتر بر جامعه، مردم و اراده عمومی است. در این جنبه، جامعه مدرن به دلیل بیگانگی‌اش دست‌نیافتنی، به خاطر ساختارهای فریه سازمانی‌اش، هولناک و به‌واسطه پیچیدگی غیرانسانی‌اش، از معنا تهی است. در اینجا، افکار عمومی، جانشین ذوق و سلیقه و عقل و شعور شده است و قواعد خشن و بازدارنده کارخانه، جانشین ضرب‌آهنگ روستا گشته است، عقلانی‌شدن جامعه به مهار و کنترلی شدید تبدیل شده است و ارزش‌های بنیادین-شرف، اخلاص و مهربانی- تحت فشار سنگینی شیء‌وارگی در حال تباهی است (نیسبت^۱، ۱۳۹۳: ۲۷۴).

برای زیمل، جوهره مدرنیسم، کلان‌شهر بوده و هر انسانی سرانجام به یک بیگانه از خود و اجتماع بدل می‌شود. به عقیده وی، زندگی در شهرهای کوچک مبتنی بر روابط عاطفی است، این روابط در لایه‌های ناخودآگاه روان انسان ریشه دارند و به‌آسانی در چارچوبی رشد می‌کنند. از

طرفی، با توجه به حضور دائم محرک‌ها در زندگی کلان‌شهری، این پاسخ عاطفی، مخاطره‌آمیز خواهد بود، قرار گرفتن دائمی احساسات در معرض تحریک و انگیزتگی، موجب سردرگمی آن‌ها خواهد شد. لذا تفکر در زندگی کلان‌شهری به‌گونه‌ای زمام امور را در دست می‌گیرد که برای شهرهای کوچک که در آن‌ها احساسات و عواطف، می‌توانند بدون خطر به جهان بیرون عرضه شوند، غریب است. زیمل، کل توسعه فرهنگ مدرن را به‌عنوان آشکارکننده برتری روح عینی بر روح ذهنی شرح می‌دهد. فرد به‌صورت یک چرخ‌دنده در سازمان عظیم امور و قدرت‌هایی تبدیل می‌شود که پیشرفت، معنویت و ارزش را از دست او در می‌آورند تا آن‌ها را از شکل ذهنی خود به شکلی کاملاً عینی تبدیل نمایند (نیسبت، ۱۳۹۳: ۳۲۲). از خودبیگانگی عامل اصلی سرگردانی آدمیزاد در شهرهای مدرن است (ستوده، ۱۳۸۷: ۲۴۳). مدرنیته، سلسله‌مراتب پیشین را معکوس کرد و وجه تفاوت آن، اموری مانند دغدغه مفرط درباره زندگی و نیازهای پایان‌ناپذیر آن، اخلاق ذهنیت‌گرایانه، فقدان ساختارهای باثبات، خصلت جبری و ماشینی هستی انسانی و فروکاستن دولت به سطح کارهای اداری، شده است (پارخ، ۱۳۹۰: ۲۰۳). مدرنیته، جو لازم را برای کنشگری پرورش نمی‌دهد و از این‌رو، مردم در جهان مدرن، فرصت معنا بخشیدن به زندگی خویش را از دست داده‌اند و یا به زندگی‌های پوچ و بی‌معنا ادامه می‌دهند یا با پیروی از آنچه ادعا می‌شود قوانین حاکم بر تاریخ است، به جستجوی معنایی کاذب می‌روند و در یک‌کلام، دچار بی‌معنایی، انزوا و بیگانگی از خود و جهان اجتماعی شده‌اند (آرنت، ۱۳۹۲: ۴۴). در نهایت زیمل، مسئله بیگانگی انسانی را در نظام سرمایه‌داری مدرن جستجو می‌کند. سلطه کار؛ پول؛ تولید و اهداف نظام سرمایه‌داری بر الگوهای فکری و روانی جامعه انسانی؛ باعث چیزوارگی، کالایی شدن و بیگانگی می‌شود. کاهش قدرت؛ استقلال و خلاقیت انسان در برابر نظام سرمایه‌داری اقتصادی؛ زمینه‌های انزوا، تنهایی، بی‌قدرتی و انومی را ایجاد می‌کند (کامنکا، ۱۳۸۷: ۵۶). بر این اساس، الگوی نظری پژوهش با استفاده از دیدگاه نظری فوق، در ادامه ترسیم شده است.

الگوی نظری پژوهش

زیمل، یکی از دلایل بیگانگی اجتماعی را مدرنیته می‌داند که همراه با تحول در نظام ارزشی، جابجایی سبک زندگی؛ کاهش سرمایه اجتماعی و الگوهای جمعی سنتی؛ فروپاشی کنترل اجتماعی (رسمی و غیررسمی)، سلطه فشار جامعه مدرن بر خلیقات، روحیات و کنش‌های انسانی، به از خودبیگانگی اجتماعی منجر شده است. در شکل شماره ۱ الگوی نظری پژوهش مبتنی بر دیدگاه زیمل طراحی شده است:



نمودار شماره یک- مدل نظری پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

- به نظر می‌رسد که سرمایه فرهنگی در میزان بیگانگی اجتماعی تأثیر معنی‌داری دارد.
- به نظر می‌رسد که سرمایه اجتماعی در میزان بیگانگی اجتماعی تأثیر معنی‌داری دارد.
- به نظر می‌رسد که عوامل فرهنگی در میزان بیگانگی اجتماعی تأثیر معنی‌داری دارد.
- به نظر می‌رسد که عوامل رسانه‌ای در میزان بیگانگی اجتماعی تأثیر معنی‌داری دارد.
- به نظر می‌رسد که عوامل روانی در میزان بیگانگی اجتماعی تأثیر معنی‌داری دارد.
- به نظر می‌رسد که عوامل سیاسی در میزان بیگانگی اجتماعی تأثیر معنی‌داری دارد.
- به نظر می‌رسد که عوامل ناکامی در میزان بیگانگی اجتماعی تأثیر معنی‌داری دارد.
- به نظر می‌رسد که عوامل اجتماعی در میزان بیگانگی اجتماعی تأثیر معنی‌داری دارد.
- به نظر می‌رسد که عوامل زمینه‌ای در میزان بیگانگی اجتماعی تأثیر معنی‌داری دارد.

روش پژوهش

روش انجام تحقیق از نوع فراتحلیل کمی است که محقق با استفاده از مرور ادبیات و تحقیقات صورت گرفته در بازه زمانی ۱۳۸۳ الی ۱۴۰۱، با محوریت بیگانگی اجتماعی، از جامعه آماری ۵۱ سند تحقیقی، بعد از غربال؛ حجم نمونه ۲۹ تحقیق را شناسایی و بعد از کنترل از حیث روشی، اعتبار، روایی و یافته‌های علمی، آن‌ها را برحسب روش، حجم نمونه، ضرایب همبستگی و سطح معنی‌داری، جامعه آماری، سال و غیره دسته‌بندی و سازمان‌دهی کرده است. مقالات فراتحلیل از پایگاه‌های اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، بانک اطلاعات نشریات کشور، پایگاه مجلات تخصصی نورمگز و مگیران؛ اخذ شده است. ملاک ورود در این تحقیق، وجود ضرایب

همبستگی؛ حجم نمونه؛ سطح معنی داری تحقیقات و ملاک خروج (کیفی بودن و اسنادی بودن مقاله؛ فقدان اطلاعات آماری الزامی مانند ضریب همبستگی، سال تحقیق، حجم نمونه و همچنین تردید در روایی و پایایی) بوده است، بعد از تهیه ملاک‌های ورود؛ با استفاده از نرم‌افزار فراتحلیل^۱، اندازه اثر نهایی هر پژوهش و اثر نهایی کل به وسیله فرمول فیشر و کوهن^۲ برآورد شده است. برای تشخیص همگنی یا ناهمگنی تحقیقات فوق، از نمودار کیفی، آزمون Q استفاده شده و بعد از اثبات فرض ناهمگونی بین مطالعات از متغیر تعدیل‌گر (زمینه‌ای) برای سنجش میزان اثر آن بر بیگانگی استفاده شده است. خلاصه پژوهش فراتحلیل در جدول شماره ۲، آمده است.

جدول شماره دو- خلاصه پژوهش فراتحلیل

نویسنده	نمونه	شیوه نمونه‌گیری	مکان	ابزار+روش
شاهینی و همکاران (۱۴۰۰)	۲۲۰	خوشه‌ای تصادفی	قره‌آغاج	پرسشنامه+کمی
عادل‌نژاد و همکاران (۱۴۰۰)	۴۱۰	طبقه‌ای	تهران	پرسشنامه+کمی
محمدپور و همکاران (۱۴۰۰)	۲۶۳	طبقه‌ای	تبریز	پرسشنامه+کمی
علیمحمدی و عزیزاده اقدم (۱۳۹۸)	۳۸۴	تصادفی خوشه‌ای	تبریز	پرسشنامه+کمی
ادهمی (۱۳۹۷)	۳۹۲	طبقه‌ای	سنندج	پرسشنامه+کمی
غفوری و محسنی تبریزی (۱۳۹۷)	۳۸۴	احتمالی چندمرحله‌ای	تهران	پرسشنامه+کمی
فیرزواجائیان و هاشمیان (۱۳۹۷)	۳۹۰	طبقه‌ای	مازندران	پرسشنامه+کمی
فیرزواجائیان و همکاران (۱۳۹۶)	۳۹۰	طبقه‌ای	مازندران	پرسشنامه+کمی
همتی و پیرنیا (۱۳۹۶)	۳۲۹	طبقه‌ای	اصفهان	پرسشنامه+کمی
حسینی و همکاران (۱۳۹۵)	۳۶۰	طبقه‌ای	یاسوج	پرسشنامه+کمی
شیرافکن (۱۳۹۵)	۳۸۲	تصادفی ساده	پارس‌آباد	پرسشنامه+کمی
حریری اکبری و صالح نژاد (۱۳۹۴)	۳۷۱	احتمالی	سقز	پرسشنامه+کمی
حسین زاده و همکاران (۱۳۹۴)	۳۸۴	خوشه‌ای چندمرحله‌ای	اهواز	پرسشنامه+کمی
رضایی و همکاران (۱۳۹۴)	۳۱۰	خوشه‌ای چندمرحله‌ای	خرم‌آباد	پرسشنامه+کمی
ابراهیمی لویه و همکاران (۱۳۹۳)	۳۵۰	تصادفی طبقه‌ای	خدابنده	پرسشنامه+کمی
ایمان و قانلی (۱۳۹۳)	۴۰۰	تصادفی طبقه‌ای	شیراز	پرسشنامه+کمی
حسینی و میرزایی (۱۳۹۳)	۳۰۰	تصادفی	رودهن	پرسشنامه+کمی
رستگار خالد و همکاران (۱۳۹۳)	۳۷۴	خوشه‌ای دومرحله‌ای	تهران	پرسشنامه+کمی
حقیقتیان و هاشمی نژاد (۱۳۹۳)	۱۱۹	تصادفی طبقه‌ای	اصفهان	پرسشنامه+کمی
نبوی و همکاران (۱۳۹۲)	۳۸۶	طبقه‌ای	اهواز	پرسشنامه+کمی
یارمحمدتوسکی و حمصی (۱۳۹۲)	۲۸۵	تصادفی ساده	مرکزی	پرسشنامه+کمی

^۱ CMA2

^۲ Cohen & fisher

توفیق‌یان فر و حسینی (۱۳۹۱)	۳۶۰	طبقه‌ای	یاسوج	پرسشنامه+کمی
سراج زاده و همکاران (۱۳۹۱)	۳۷۰	تصادفی ساده	تهران	پرسشنامه+کمی
کلانتری و همکاران (۱۳۹۱)	۳۰۰	طبقه‌ای	گیوی	پرسشنامه+کمی
بنی فاطمه و رسولی (۱۳۹۰)	۵۸۴	تصادفی ساده	تبریز	پرسشنامه+کمی
حسین زاده و همکاران (۱۳۹۰)	۳۵۰	تصادفی نظام‌مند	ماهشهر	پرسشنامه+کمی
موسوی و حیدرپور مرند (۱۳۹۰)	۳۵۹	تصادفی طبقه‌ای	تهران	پرسشنامه+کمی
علمی و هاشم زاده (۱۳۸۸)	۳۷۳	طبقه‌ای	تبریز	پرسشنامه+کمی
وثوقی و ساری (۱۳۸۷)	۳۹۱	تصادفی طبقه‌ای	تهران	پرسشنامه+کمی

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش، در دو بخش توصیفی و استنباطی دسته‌بندی شده است.

الف) یافته‌های توصیفی

- ۹۳/۱ درصد (۲۷ مورد) از رشته تخصصی نویسندگان مقالات به جامعه‌شناسی و ۶/۸ درصد (۲ مورد) به رشته مدیریت اختصاص دارد.
- ۳۷/۹ درصد (۱۱ مورد) از جامعه مورد بررسی به دانشجویان، ۲۰/۶ درصد (۶ مورد) جوانان، ۱۰/۳ درصد (۳ مورد) دانش‌آموز و کارمندان، ۶/۸ درصد (۲ مورد) به زنان، معلم و شهروندان عمومی اختصاص دارد.
- به لحاظ روشی، نمونه‌گیری ۵۵/۲ درصد (۱۶ مورد) تصادفی طبقه‌ای، ۳۴/۵ درصد (۱۰ مورد) تصادفی ساده و ۱۰/۳ درصد (۵ مورد) تصادفی خوشه‌ای است.
- از نظر گروه قومی؛ ۳۷/۹ درصد (۱۱ مورد) به فارس، ۲۷/۵ درصد (۸ مورد) ترک، ۱۰/۳ درصد (۳ مورد) لر و عرب، ۶/۸ درصد (۲ مورد) به قوم کرد و مازنی تعلق دارد.
- ۴۸/۲ درصد از پژوهش‌ها در استان کم‌توسعه (۱۴ مورد)؛ ۳۱ درصد (۹ مورد) در حال-توسعه و ۲۰/۶ درصد (۶ مورد) استان توسعه‌یافته اجرا شده است.

ب). نتایج استنباطی

در این قسمت، اندازه اثر متغیرهای مستقل بر وابسته و متغیرهای تعدیل‌گر ارائه شده است.

اندازه اثر پژوهش

جدول شماره سه - اندازه اثر پژوهش

گزارش آماری					متغیر	
sig	Z	upper	lower	Effect size		
۰/۰۰۰	۸/۵۴۸	۰/۴۹۲	۰/۱۰۲	۰/۴۶۲	سرمایه فرهنگی تجسم یافته	سرمایه فرهنگی
۰/۰۲۰	۸/۷۵۷	۰/۵۳۱	۰/۱۴۵	۰/۳۷۹	سرمایه فرهنگی نهادینه شده	
۰/۰۰۰	۵/۴۷۵	۰/۶۴۴	۰/۰۹۵	۰/۳۱۴	سرمایه فرهنگی نمادین	
۰/۰۰۰	۸/۹۹۶	۰/۶۷۸	۰/۱۳۲	۰/۳۲۱	ضعف انسجام اجتماعی	سرمایه اجتماعی
۰/۰۳۵	۲۱/۴۵۲	۰/۸۴۷	۰/۲۶۳	۰/۱۸۴	اعتماد اجتماعی پایین	
۰/۰۰۰	۹/۰۰۴	۰/۷۴۵	۰/۱۹۹	۰/۳۲۸	تعلق اجتماعی پایین	
۰/۰۰۰	۱۳/۶۳۷	۰/۷۹۲	۰/۲۱۱	۰/۲۳۹	فردگرایی	عوامل فرهنگی
۰/۰۰۰	۶/۴۹۷	۰/۳۴۲	۰/۰۸۴	۰/۲۸۹	باورهای خرافاتی	
۰/۰۰۰	۶/۷۹۸	۰/۳۶۱	۰/۰۹۷	۰/۲۹۵	فشارهای هنجاری (سنت گرایی)	
۰/۰۰۱	۱۲/۳۱۸	۰/۹۶۳	۰/۲۲۱	۰/۳۶۹	تعلق مذهبی پایین	عوامل رسانه‌ای
۰/۰۰۰	۱۳/۷۳۱	۰/۸۳۴	۰/۱۹۹	۰/۱۹۷	فضای مجازی	
۰/۰۰۰	۷/۲۹۴	۰/۶۳۴	۰/۱۴۲	۰/۳۲۸	رسانه‌های داخلی	
۰/۰۰۰	۳/۱۱۷	۰/۱۹۸	۰/۱۰۲	۰/۱۶۸	رسانه خارجی	عوامل روانی
۰/۰۰۰	۸/۴۵۹	۰/۶۳۹	۰/۱۷۵	۰/۳۱۷	اعتماد به نفس پایین	
۰/۰۰۱	۲۵/۴۱۸	۰/۶۳۹	۰/۳۵۱	۰/۴۸۹	انزوای اجتماعی	
۰/۰۰۰	۱۷/۴۵۲	۰/۹۸۷	۰/۲۷۳	۰/۱۷۱	احساس بی منزلتی	عوامل سیاسی
۰/۰۰۰	۱۳/۶۳۷	۰/۷۹۲	۰/۲۱۱	۰/۲۳۹	عدم اثربخشی سیاسی	
۰/۰۰۰	۹/۸۴۵	۰/۶۵۷	۰/۱۷۴	۰/۴۷۹	نارضایتی سیاسی	
۰/۰۰۰	۹/۳۷۶	۰/۵۲۱	۰/۱۳۷	۰/۲۶۹	احساس تبعیض سیاسی	عوامل ناکامی
۰/۰۰۰	۹/۸۸۲	۰/۶۲۹	۰/۱۹۴	۰/۳۵۱	آنومی سیاسی	
۰/۰۳۵	۶/۴۷۵	۰/۴۱۳	۰/۰۸۱	۰/۳۲۱	محرومیت اجتماعی	
۰/۰۰۳	۹/۲۷۶	۰/۷۴۳	۰/۲۰۱	۰/۳۶۱	ناکامی شغلی	عوامل اجتماعی
۰/۰۰۰	۱۲/۵۸۷	۰/۷۶۵	۰/۲۴۱	۰/۲۸۳	ناکامی تحصیلی-آموزشی	
۰/۰۰۰	۹/۸۸۹	۰/۷۸۱	۰/۲۲۴	۰/۴۷۳	آنومی اجتماعی	
۰/۰۰۵	۷/۹۸۵	۰/۷۴۱	۰/۱۰۳	۰/۴۷۶	نارضایتی اجتماعی	عوامل اجتماعی
۰/۰۰۲	۶/۸۳۰	۰/۸۱۰	۰/۳۹۸	۰/۲۰۶	احساس بی عدالتی	
۰/۰۰۱	۹/۲۸۵	۰/۴۷۰	۰/۱۳۲	۰/۳۶۲	بی نظمی اجتماعی	

۰/۰۰۱	۳/۴۹۷	۰/۵۳۲	۰/۱۴۲	۰/۳۱۹	سطح تحصیلات	عوامل زمینه-ای
۰/۰۳۵	۹/۵۴۳	۰/۶۹۲	۰/۰۸۱	۰/۱۱۵	سن	
۰/۰۰۰	۹/۵۴۲	۰/۴۵۲	۰/۲۰۱	۰/۴۷۴	پایگاه اقتصادی - اجتماعی	
۰/۰۰۰	۶/۸۷۴	۰/۷۴۴	۰/۴۲۵	۰/۲۴۱	درآمد	

نتایج نشان می‌دهد که:

۱. بین سرمایه فرهنگی و بیگانگی اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد. بر این اساس، با افزایش سرمایه فرهنگی تجسم یافته (۰/۴۶۲)، سرمایه فرهنگی نهادینه شده (۰/۳۷۹) و سرمایه فرهنگی نمادین (۰/۳۱۴)، بیگانگی اجتماعی کاهش می‌یابد.
۲. بین سرمایه اجتماعی و بیگانگی اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد. بر این اساس، ضعف انسجام اجتماعی (۰/۳۲۱)؛ اعتماد اجتماعی پایین (۰/۱۸۴) و تعلق اجتماعی پایین (۰/۳۲۸)، موجب افزایش از بیگانگی اجتماعی می‌شود.
۳. بین عوامل فرهنگی و بیگانگی اجتماعی، رابطه معنی‌داری وجود دارد. بر این اساس، فردگرایی (۰/۲۳۹)؛ باورهای خرافی (۰/۲۸۹)؛ فشارهای هنجاری (۰/۲۹۵) و تعلق مذهبی پایین (۰/۳۶۹)، باعث افزایش بیگانگی اجتماعی می‌شود.
۴. بین عوامل رسانه‌ای و بیگانگی اجتماعی، رابطه معنی‌داری وجود دارد. بر این اساس، میزان استفاده از فضای مجازی (۰/۱۹۷) و رسانه خارجی (۰/۱۶۸) موجب افزایش بیگانگی اجتماعی شده است و در صورت ارتباط رسانه‌های داخلی (۰/۳۲۸) با واقعیت اجتماعی و حل نیازهای اجتماعی، میزان از خودبیگانگی، در شهروندان کاهش می‌یابد.
۵. بین عوامل روانی و بیگانگی اجتماعی، رابطه معنی‌داری وجود دارد. بر این اساس اعتماد به نفس پایین (۰/۳۱۷)؛ انزوای اجتماعی (۰/۴۸۹) و احساس بی‌منزلتی (۰/۱۷۱)؛ به افزایش بیگانگی اجتماعی منجر می‌شود.
۶. بین عوامل سیاسی و بیگانگی اجتماعی، رابطه معنی‌داری وجود دارد. بر این اساس، عدم اثربخشی سیاسی (۰/۲۳۹)، نارضایتی سیاسی (۰/۴۷۹)، احساس تبعیض سیاسی (۰/۲۶۹) و آنومی سیاسی (۰/۳۵۱)، به افزایش بیگانگی اجتماعی منجر می‌شود.
۷. بین عوامل ناکامی و بیگانگی اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد. بر این اساس محرومیت اجتماعی (۰/۳۲۱)، ناکامی شغلی (۰/۳۶۱)، ناکامی تحصیلی-آموزشی (۰/۲۸۳)، به افزایش بیگانگی اجتماعی منجر می‌شود.

۸. بین عوامل اجتماعی و بیگانگی اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد. بر این اساس بی نظمی اجتماعی (۰/۳۶۲)؛ نارضایتی اجتماعی (۰/۴۷۶)؛ آنومی اجتماعی (۰/۴۷۳) و احساس بی عدالتی (۰/۲۰۶)، به افزایش بیگانگی اجتماعی منجر می شود.

۹. بین عوامل زمینه ای و بیگانگی اجتماعی، رابطه معنی داری وجود دارد. بر این اساس با افزایش سطح تحصیلات (۰/۳۱۹)؛ سن (۰/۱۱۵)؛ پایگاه اقتصادی-اجتماعی (۰/۴۷۴) و میزان درآمد (۰/۲۴۱)، از خود بیگانگی اجتماعی کاهش می یابد.

آزمون Q: هدف اصلی این آزمون، مطالعه میزان همگنی و میزان ناهمگنی مجموعه مطالعات فراتحلیل به عنوان یک واحد کلی است. وقتی پژوهش دارای واریانس و اختلاف زیاد (ناهمگنی) باشد، از اثر تصادفی به جای اثر ثابت استفاده می شود. این نشان می دهد که متغیرهایی هستند که باعث افزایش ناهمگنی بین مطالعات فراتحلیل می شوند و برای کاهش این ناهمگنی و حذف عوامل واریانس، از متغیرهای میانجی استفاده می شود.

جدول شماره چهار- آزمون Q

وضعیت همگنی مطالعات			
Q-value	f	p-value	i-squared
۷۸۳/۵۰۴	۸	۰/۰۰۰	۹۳/۴۵۹

با توجه به نتایج مدل با اطمینان ۹۹ درصد می توان گفت که فرض صفر مبتنی بر همگن بودن مطالعات، رد شده و فرض ناهمگونی (عدم همگنی) پژوهش ها تأیید شده است. معنادار بودن $Q=۷۸۳$ نشان از وجود ناهمگنی است. مقدار مجذور I^2 دارای مقداری بین ۰-۱۰۰ است و ناهمگنی را به صورت درصدی نشان می دهد. هرچه به ۱۰۰ نزدیک تر، نشان دهنده ناهمگنی بیشتر اندازه های اثر پژوهش اولیه است. مقدار (۹۳) درصد مؤید این است که ۹۳ درصد تغییرات کل مطالعات به ناهمگنی بین پژوهش مربوط است.

-تأثیر متغیر جنسیت در بیگانگی اجتماعی

جدول شماره پنج- تأثیر متغیر جنسیت در بیگانگی اجتماعی

تصادفی			جنسیت
sig	z-value	اندازه ترکیبی	
۰/۰۰۰	۴/۰۳۱	۰/۱۱۴	زن
۰/۰۰۰	۶/۱۱۸	۰/۱۶۲	مرد
۰/۰۰۰	۹/۲۷۶	۰/۱۰۰	اثر کل

بین جنسیت و بیگانگی اجتماعی، رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد و مقدار آن ۰/۲۰ است؛ در این میان، بیگانگی مردان (۰/۱۶) بیشتر از زنان (۰/۱۱) است.

تأثیر متغیر هویت قومی در بیگانگی اجتماعی

جدول شماره‌ی شش- تأثیر هویت قومی در بیگانگی اجتماعی

تصادفی			هویت قومی
sig	z-value	اندازه ترکیبی	
۰/۰۰۰	۵/۰۳۴	۰/۱۲۹	فارس
۰/۰۰۰	۸/۱۷۷	۰/۱۶۵	ترک
۰/۰۰۰	۷/۱۹۰	۰/۱۴۱	لر
۰/۰۰۰	۹/۲۳۷	۰/۱۱۸	عرب
۰/۰۰۰	۳/۳۵۲	۰/۱۰۳	کرد
۰/۰۰۰	۴/۱۱۰	۰/۱۹۶	مازنی
۰/۰۰۰	۷/۵۹۲	۰/۱۵۵	اثر کل

بین هویت قومی و بیگانگی، رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد و مقدار اثر کلی آن (۰/۱۵۵) است. به لحاظ گروه قومی، گرایش به بیگانگی در میان گروه قومی مازنی (۰/۱۹۶)، ترک (۰/۱۶۵)؛ لر (۰/۱۴۱) بیشتر است.

تأثیر متغیر نوع گروه در بیگانگی اجتماعی

جدول شماره‌ی هفت- تأثیر نوع گروه در بیگانگی اجتماعی

تصادفی			نوع گروه
sig	z-value	اندازه ترکیبی	
۰/۰۰۰	۹/۲۵۵	۰/۲۶۵	دانشجو
۰/۰۰۰	۳/۳۰۸	۰/۲۳۲	دانش‌آموز
۰/۰۰۰	۴/۲۷۶	۰/۲۰۰	جوانان
۰/۰۰۰	۸/۱۶۰	۰/۱۹۸	کارمندان
۰/۰۰۰	۷/۵۴۱	۰/۱۴۲	معلم
۰/۰۰۰	۹/۱۴۷	۰/۱۸۴	شهروندان عمومی
۰/۰۰۰	۹/۱۴۵	۰/۲۸۰	اثر کل

بین نوع گروه و بیگانگی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد و مقدار اثر کلی آن (۰/۲۸۰) است. گرایش به بیگانگی در میان دانشجویان (۰/۲۶۵) و دانش‌آموزان (۰/۲۳۲) بیشتر از سایر گروه‌های موردبررسی است.

تأثیر متغیر سطح توسعه استان در بیگانگی اجتماعی

جدول شماره هشت - تأثیر سطح توسعه استان در بیگانگی اجتماعی

تصادفی			گروه مورد بررسی
sig	z-value	اندازه ترکیبی	
۰/۰۰۰	۴/۶۵۳	۰/۴۶۱	توسعه یافته
۰/۰۰۰	۸/۱۰۲	۰/۳۸۶	در حال توسعه
۰/۰۰۰	۹/۱۵۲	۰/۲۵۵	کم توسعه
۰/۰۰۰	۱۱/۰۰۱	۰/۳۳۶	اثر کل

بین سطح توسعه استان با بیگانگی، رابطه معنی داری وجود دارد و مقدار آن برابر با (۰/۳۳۶) است؛ در این میان، میزان بیگانگی در مناطق توسعه یافته (۰/۴۶۱) و در حال توسعه (۰/۳۸۶) بیشتر و در مناطق کم توسعه (۰/۲۵۵) کمتر است.

بحث و نتیجه گیری

بیگانگی اجتماعی به معنای از فقدان، خلأ، قطع کردن ارتباط با چیزی است. بیگانگی به معنای جدایی؛ انزوا، انزجار، بی هویتی و آشفتنگی در جامعه و افراد است. متفکران جامعه‌شناسی یکی از دلایل ظهور بیگانگی را تغییرات اجتماعی از دنیای سنتی به مدرنیته و پیامدهای جهان مدرن می‌دانند. در ایران، مطابق نتایج پژوهش‌ها؛ بیگانگی اجتماعی به یک مسئله اجتماعی تبدیل شده است. ۲۹ سند پژوهشی، در بازه زمانی ۱۳۸۳ الی ۱۴۰۱، به روش پیمایش در این زمینه انجام گرفته است، بر این اساس هدف اصلی فراتحلیل، برآورد اندازه اثر متغیرهای مستقل بر وابسته است، نتایج نشان می‌دهد که:

۱. با افزایش سرمایه فرهنگی؛ میزان بیگانگی اجتماعی کاهش می‌یابد. سرمایه فرهنگی به عنوان یکی از مؤلفه‌های آگاهی بخشی، افزایش منزلت و دانش فردی نسبت به پیرامون اجتماعی، سبب آگاهی فکری و فرهنگی شده و با ایجاد پیوند فرد با جهان اطراف؛ از بیگانگی او ممانعت می‌کند. در این میان مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی (نهادینه شده؛ تجسم یافته و نمادین) دارای اثری منفی بر بیگانگی اجتماعی هستند.
۲. با کاهش سرمایه اجتماعی در میان شهروندان بر شدت بیگانگی اجتماعی آن‌ها افزوده می‌گردد. کاهش سرمایه اجتماعی منجر به از بین رفتن پیوندهای عمیق فردی؛ کاهش مشارکت اجتماعی و بی‌اعتمادی به گروه‌های مرجع، محلی و خویشاوندی شده و در نتیجه

- ضمن کاهش انسجام اجتماعی بین آن‌ها؛ تعلق اجتماعی را پایین می‌آورد و سبب از خود بیگانگی اجتماعی آن‌ها می‌شود.
۳. عوامل فرهنگی در بیگانگی اجتماعی تأثیر دارد. در این میان، با افزایش فردگرایی؛ به دلیل انزوا، تنهایی و کاهش صمیمیت و پیوندهای جمعی؛ میزان بیگانگی اجتماعی افزایش می‌یابد. همچنین، هرچه باورهای خرافی (غیرعقلانی) و مبتنی بر تقدیر و شانس در جامعه، شدت بیشتری داشته باشد، به دلیل محتوم شمردن سرنوشت و پیشامدهای زندگی در صورت ناکامی و عدم موفقیت، میزان بیگانگی اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. وجود فشارهای هنجاری (هنجارهای سنتی) بر فرد و الزام بیش‌ازحد بر مقررات، نظم و قواعد عرفی؛ باعث دلزدگی، انزجار و بیگانگی اجتماعی می‌شود. مذهب، نقش مهمی در کنترل آسیب و مسائل روانی-اجتماعی دارد، با کاهش تعلق مذهبی در افراد؛ به دلیل گسسته شدن از بدنه اجتماعی، مناسک جمعی دینی و گروه‌های خودجوش اجتماعی؛ بیگانگی اجتماعی نیز افزایش می‌یابد.
۴. عوامل رسانه‌ای در بیگانگی اجتماعی شهروندان، تأثیر معنی‌داری دارد. فضای مجازی با ایجاد سرگرمی، اوقات فراغت و سبک‌های تفریح جدید؛ باعث جدایی فرد از زندگی و دنیای واقعی شده و به دلیل دل‌بستگی فرد به آن، میزان بیگانگی اجتماعی آن‌ها افزایش می‌یابد. رسانه‌های داخلی، در صورت کژ کارکردی و عدم ارائه اطاعات کافی و برنامه تفریحی مفرح و غنی، می‌توانند به بیگانگی اجتماعی منجر شود و به دلیل عدم تطابق و سازگاری الگوهای فکری و محتوای فرهنگی برنامه‌های آن، احتمال افزایش بیگانگی اجتماعی نیز زیاد است.
۵. عوامل روانی بر میزان بیگانگی اجتماعی افراد تأثیر معناداری دارد. اعتمادبه‌نفس، یکی از مهم‌ترین عوامل روانی-شخصیت است که فرد را در برابر آسیب‌ها، اختلال فکری و رفتاری محافظت می‌کند، در صورتی‌که افراد دارای اعتمادبه‌نفس پایینی باشند، به دلیل کم‌رویی، ناکامی روانی و کاهش تعاملات اجتماعی، احتمال گرایش به بیگانگی اجتماعی زیاد است، همچنین، وقتی افراد در یک جامعه، جمع یا گروه، احساس بی‌منزلی کنند و خود را انسان مفید، ارزشمند و اثربخشی تصور نکنند، میزان بیگانگی اجتماعی در آن‌ها افزایش می‌یابد. انزوای اجتماعی، عزت‌گزینی و گوشه‌نشینی فرد در جامعه مدرن و کاهش تعامل و پیوندهای آن با جمع، باعث بیگانگی اجتماعی آن می‌شود.
۶. عوامل سیاسی، در بیگانگی اجتماعی افراد تأثیر معناداری دارد. در جهان سیاست، هرچه فرد احساس کند در نظام و سیاست آن، فاقد اثر مثبت و کارکرد مهمی است، به سمت بیگانگی سوق می‌یابد. همچنین در صورتی‌که نهادها و نظام سیاسی نتوانند، رضایت سیاسی شهروندان

را تأمین کنند، احتمال افزایش بیگانگی اجتماعی زیاد است، هرچه شدت تبعیض سیاسی در رسیدن به موقعیت‌های شغلی، سیاسی و اجتماعی بیشتر شود، میزان بیگانگی اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. آنومی سیاسی، به معنای انزجار، بی‌تفاوتی و احساس ابهام و سردرگمی در مسائل سیاسی است، با افزایش شدت آنومی سیاسی، بیگانگی اجتماعی نیز افزایش می‌یابد.

۷. با افزایش عوامل ناکامی؛ بیگانگی اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. هرچه شدت محرومیت اجتماعی زیاد باشد، به دلیل سرخوردگی، انباشته شدن تعارض اجتماعی و تضاد، میزان بیگانگی اجتماعی افزایش می‌یابد. همچنین در صورتی که افراد، موفقیت شغلی نداشته باشند، نتوانند شغل مناسب خود را به دست آورند، به سمت بیگانگی اجتماعی سوق می‌یابند، عدم موفقیت و شکست در امور تحصیلی و دانشگاهی، می‌تواند آرزوهای فرهنگی و اجتماعی فردی را دچار ناکامی کند و باعث بیگانگی اجتماعی آن‌ها شود.

۸. عوامل اجتماعی با بیگانگی اجتماعی، رابطه معنی‌داری دارد. بی‌نظمی اجتماعی و بی‌سازمانی اجتماعی، باعث اختلال در کارکردهای نهادی، رفتاری و روابط بین انسان‌ها شده و منجر به بیگانگی اجتماعی می‌شود. هرچه نارضایتی اجتماعی در جامعه افزایش یابد، میزان بیگانگی اجتماعی افزایش می‌یابد. احساس بی‌عدالتی و تصور وجود شکاف طبقاتی، اقتصادی-اجتماعی و افزایش فقر و غنی و درنهایت وجود ناعدالتی؛ سبب بیگانگی اجتماعی افراد می‌شود.

۹. عوامل زمینه‌ای، در بیگانگی اجتماعی تأثیر معنی‌داری دارد. با افزایش سطح تحصیلات، از میزان بیگانگی اجتماعی کاسته شده و همچنین هرچه پایگاه اقتصادی-اجتماعی افراد افزایش یابد، به همان میزان؛ شدت بیگانگی کاهش می‌یابد. با بالا رفتن سن، به دلیل کاهش هیجان‌های اجتماعی و عقلانیت فردی، میزان بیگانگی کاهش می‌یابد و هرچه میزان درآمد افزایش یابد، بیگانگی نیز کمتر می‌شود.

منابع

۱. آرنت، هانا (۱۳۹۲) *وضع بشر*، ترجمه مسعود علیا، تهران: ققنوس.
۲. ابراهیمی لویه، عادل؛ صحبتی‌ها، علی و همایون رضایی‌زاده (۱۳۹۳) «بیگانگی اجتماعی جوانان و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: جوانان ۲۰ تا ۳۰ ساله شهرستان خدابنده)»، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، دوره ۵، شماره ۱: ۱۷-۱.
۳. احمدی، بابک (۱۳۹۳) *مارکس و سیاست مدرن*، تهران: مرکز.
۴. ادهمی، جمال (۱۳۹۷) «عوامل مؤثر بر بیگانگی اجتماعی و فرهنگی در بین جوانان دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج»، *فصل‌نامه مسائل اجتماعی ایران*، شماره ۱: ۲۷-۵.
۵. اکبری، حمیدرضا و لیلا صالح نژاد (۱۳۹۴) «استعاره زمان به مثابه حرکت در مکان در اشعار سهراب سپهری براساس نظریه معاصر استعاره»، *مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، دوره ۳، شماره ۱۲: ۱۶-۱.
۶. ایمان، محمدتقی و حسین قانلی (۱۳۸۳) «بررسی عوامل مؤثر بر بیگانگی سیاسی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه شیراز)»، *مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، شماره ۲: ۱۰۵-۷۹.
۷. بنی‌فاطمه، حسین و زهره رسولی (۱۳۹۰) «بررسی میزان بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل مرتبط با آن»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، شماره ۱: ۲۶-۱.
۸. پارخ، بیخو (۱۳۹۰) «هانا آرنت»، *مجموعه مقالات فلسفه و جامعه و سیاست*، به کوشش عزت‌الله فولادوند، تهران: ماهی.
۹. توفیقیان‌فر، علی‌حسن و سید احمد حسینی (۱۳۹۱) «بررسی بیگانگی اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (نمونه: جوانان شهر یاسوج)»، *فصل‌نامه مطالعات جامعه‌شناسی جوانان*، شماره ۸: ۵۸-۴۵.
۱۰. حریری اکبری، محمد و حسن صالح‌نژاد (۱۳۹۴) «سرمایه فرهنگی سدی در برابر بیگانگی اجتماعی (مطالعه موردی: دانش‌آموزان شهرستان سقز)»، *فصل‌نامه مطالعات جامعه‌شناسی جوانان*، سال پنجم، شماره ۱۷: ۵۶-۳۳.
۱۱. حسین‌زاده، علی حسین؛ باقری، معصومه و امیر رزم‌آرا (۱۳۹۴) «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر بیگانگی اجتماعی جوانان (مورد مطالعه: جوانان ۲۵-۱۸ سال شهر اهواز)»، *فصل‌نامه توسعه اجتماعی*، دوره ۱۰، شماره ۲: ۵۴-۳۷.

۱۲. حسین‌زاده، علی‌حسین؛ باقری، معصومه و فاطمه بختیاری‌زاده (۱۳۹۰) «بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر بیگانگی از کار (مورد مطالعه: کارکنان پتروشیمی بندر ماهشهر)»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و دوم، شماره ۲: ۱۸۴-۱۶۷.
۱۳. حسینی، سیداحمد؛ وکیلی، نجمه و علی‌حسن توفیق‌انفر (۱۳۹۵) «بررسی بیگانگی اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (نمونه: جوانان شهر یاسوج)»، *فصل‌نامه پژوهش اجتماعی*، سال هشتم، شماره ۳۱: ۱۰۶-۷۹.
۱۴. حسینی، فرشته و خلیل میرزایی (۱۳۹۳) «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر ازخودبیگانگی اجتماعی دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن در سال ۱۳۹۰»، *فصل‌نامه پژوهش اجتماعی*، سال هشتم، شماره ۳۳: ۷۰-۵۱.
۱۵. حقیقتیان، منصور و سید هاشم هاشمی‌نژاد (۱۳۹۳) «بررسی برخی عوامل اجتماعی و سازمانی مؤثر بر بیگانگی کارکنان (مورد مطالعه: سازمان جهاد کشاورزی اصفهان)»، *فصل‌نامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*، سال هشتم، شماره ۴: ۹۸-۷۹.
۱۶. رستگارخالد، امیر؛ کاوه، مهدی و مهدی محمدی (۱۳۹۳) «سرمایه اجتماعی و بیگانگی از کار (مطالعه موردی معلمان آموزش و پرورش مقطع ابتدایی شهر تهران)»، *فصل‌نامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، شماره ۱۹: ۲۵۱-۲۰۳.
۱۷. رضایی، مریم؛ بساطیان، سید محمد و مرتضی جعفریان (۱۳۹۴) «عوامل اجتماعی مؤثر بر بیگانگی اجتماعی زنان شاغل شهر خرم‌آباد»، *فصل‌نامه مطالعات ملی*، سال شانزدهم، شماره ۳: ۹۹-۸۳.
۱۸. ریتزر، جورج (۱۳۹۰) *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
۱۹. زکی‌خانی، محمدصادق (۱۳۸۹) «بیگانگی دانشجویان علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج»، *فصل‌نامه علوم سیاسی*، شماره ۱۰: ۱۰۵-۹۱.
۲۰. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۷) «ناکامی آموزشی و ازخودبیگانگی: پژوهشی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن»، *فصل‌نامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی*، سال سوم، شماره ۲: ۱۱۵-۹۳.
۲۱. سراج‌زاده، سیدحسین؛ قصابی، رضوان و سولماز چمنی (۱۳۹۱) «بررسی رابطه دین‌داری و بیگانگی اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس)»، *فصل‌نامه راهبرد اجتماعی-فرهنگی*، سال ۲، شماره ۵: ۱۲۵-۱۰۳.

۲۲. شاهینی، میلاد؛ بنی فاطمه، حسین و کمال کوهی (۱۴۰۰) «بررسی میزان احساس محرومیت نسبی دانش‌آموزان متوسطه دوم، همایش ملی تحقیقات میان‌رشته‌ای در مدیریت و علوم انسانی، دوره ۳، شماره ۱: ۲۹۸-۲۸۴.
۲۳. شفر، ریچارد (۱۳۹۱) *فرهنگ فشرده جامعه‌شناسی*، ترجمه حسین شیران، تهران: جامعه‌شناسی شرقی.
۲۴. شیرافکن، حسن (۱۳۹۵) «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر ازخودبیگانگی اجتماعی در میان دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه آزاد اسلامی واحد پارس‌آباد)»، *مطالعات مدیریت و کارآفرینی*، دوره ۲، شماره ۲: ۱۱۹-۱۱۲.
۲۵. عادل‌نژاد، فاطمه؛ محسنی تبریزی، علیرضا و میر طاهر موسوی (۱۴۰۰) «شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر سرمایه اجتماعی در مواجهه با بیگانگی اجتماعی دانشجویان دانشگاه تهران و دانشگاه علوم تحقیقات»، *مجله راهبرد اجتماعی - فرهنگی*، شماره ۳۹: ۳۹۱-۳۵۹.
۲۶. علمی، محمود و ابوالفضل هاشم‌زاده (۱۳۸۸) «بررسی رابطه بین کیفیت زندگی کاری و ازخودبیگانگی اجتماعی در بین دبیران دبیرستان‌های شهر تبریز»، *مطالعات جامعه‌شناسی*، سال دوم، شماره ۵: ۲۸-۷.
۲۷. علیمحمدی خانقاه، آذر و محمد باقر علیزاده اقدم (۱۳۹۸) «بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی با بیگانگی اجتماعی-فرهنگی در بین جوانان شهر تبریز»، *فصل‌نامه مطالعات جامعه‌شناسی*، سال یازدهم، شماره ۴۳: ۸۸-۷۱.
۲۸. غفوری کله، سیده معصومه و علیرضا محسنی تبریزی (۱۳۹۷) «تبیین جامعه‌شناختی تأثیر دین‌داری بر اشکال و موضوعات بیگانگی»، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، دوره ۹، شماره ۲: ۲۰۸-۱۸۵.
۲۹. فروم، اریک (۱۳۸۵) *جامعه سالم*، ترجمه اکبر تبریزی، تهران: بهجت.
۳۰. فیروزجائیان، علی‌اصغر و بهزاد هاشمیان (۱۳۹۷) «تحلیل جامعه‌شناختی بیگانگی دانشگاهی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه مازندران)»، *راهبرد فرهنگ*، شماره ۴۱: ۱۳۱-۱۰۵.
۳۱. فیروزجائیان، علی‌اصغر، جان علیزاده، حیدر و بهزاد هاشمیان (۱۳۹۶) «ناسازی در میدان دانشگاهی و بیگانگی دانشگاهی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه مازندران)»، *مطالعات تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره ۶، شماره ۱: ۲۰-۱.
۳۲. کامنکا، یوجین (۱۳۸۷) *مارکسیسم و اخلاق*، ترجمه مجید مددی، تهران: آگه.

۳۳. کلانتری، عبدالحسین؛ بشیری گیوی، حسین و سهیلا غلامی شاهسوارلو (۱۳۹۱) «بررسی جامعه‌شناختی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر ازخودبیگانگی اجتماعی شهرنشینان شهر گیوی»، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال چهارم، شماره ۳: ۶۳-۵۳.
۳۴. کوزر، لوئیس (۱۳۹۰) *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
۳۵. کوهن، الوین استنفورد (۱۳۸۹)؛ *تئوری‌های انقلاب*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: قومس.
۳۶. گرب، ادوارد (۱۳۸۹) *جامعه‌شناسی: نابرابری اجتماعی*، ترجمه محمدسپاهپوش و احمدرضا غروی‌زاد، تهران: معاصر.
۳۷. محمدپور، ابراهیم؛ هنرور، حسین؛ علی پور، هدایت و عاطفه رحمانیان (۱۴۰۰) «مطالعه ارتباط بین مؤلفه‌های تحول در باورها و رفتارهای توسعه‌ای و بیگانگی اجتماعی (دانشجویان دانشکده‌های حقوق و علوم اجتماعی و کشاورزی دانشگاه تبریز)»، *مجله جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، سال دهم، شماره ۲: ۱۸۱-۱۵۹.
۳۸. موسوی، سیدکمال‌الدین و سکینه حیدرپور مرند (۱۳۹۰) «تحلیل جامعه‌شناختی بیگانگی تحصیلی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه شاهد در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷)»، *فصل‌نامه علوم اجتماعی*، شماره ۵۶: ۷۲-۳۵.
۳۹. میرزاپوری، جابر (۱۳۹۵) *بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران*، قم: زمزم هدایت.
۴۰. نبوی، سید عبدالحسین؛ باقری، معصومه و مرضیه شهریار (۱۳۹۲) «بررسی تأثیر تعارض کار-خانواده و خانواده-کار بر بیگانگی از کار»، *نشریه زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۵، شماره ۳: ۳۹۷-۴۱۴.
۴۱. نیسبت، رابرت الکساندر (۱۳۹۳) *سنت جامعه‌شناسی*، ترجمه سعید حاجی ناصری و فرید حسینی‌مرام، تهران: دانشگاه تهران.
۴۲. همتی، رضا و زهرا پیرنیا (۱۳۹۶) «تحلیلی بر بیگانگی تحصیلی دانشجویان و عوامل مرتبط با آن»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره ۶، شماره ۱: ۹۱-۱۱۷.
۴۳. وثوقی، منصور و محسن ساری (۱۳۸۷) «بیگانگی اجتماعی قشر جوان (مطالعه موردی جوانان شهر تهران)»، *مجله جامعه‌شناسی معاصر*، سال اول، شماره ۱: ۱۹۵-۱۷۳.

۴۴. یارمحمدتوسکی، مریم و فاطمه حمصی (۱۳۹۲) «تحلیل جامعه‌شناختی بیگانگی از کار در ساختار نظام اداری ایران-۱۳۹۱» (مطالعه‌ی موردی: سازمان‌های زیرمجموعه‌ی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان مرکزی)، ماه‌نامه‌ی کار و جامعه، دوره‌ی ۱۰۴، شماره‌ی ۱۵۹: ۸۰-۷۲.